

## تحلیلی بر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر جغرافیای جنسیتی در کشور

مسعود صفایی پور\*، دانشیار دانشگاه شهید چمران، دانشکده علوم زمین و GIS

نادیا داری پور، دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران، دانشکده علوم زمین و GIS

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۸

**چکیده:** برابری جنسیتی به عنوان یکی از مقولات مرتبط با توسعه اقتصادی-اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است. نابرابری‌های جنسیتی دارای اثر منفی بر توسعه انسانی و ارتقای کیفیت نیروی انسانی دارد. این پژوهش بر آن است تا بر اساس مقایسه‌ی آمار سرشماری سال ۱۳۹۰ و ۱۳۹۴، بهبود وضعیت زنان را در مقایسه با مردان در مناطق مختلف کشور مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. این پژوهش با استفاده از نرم افزار Arc/Gis و استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. با وجود بر خورداری سهمی از فعالیت‌های اقتصادی زنان در روستاها نسبت به مردان اما همچنان سهم مردان بیش از زنان برآورد شده است. به گونه‌ای که در منطقه‌ی سه (شامل: استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، گیلان و کردستان) زنان دارای درآمد هم وزن با کل مشارکت کنندگان در فعالیت‌های اقتصادی نیستند اما تمایل به استقلال آنان را به این سو حرکت داده است. یافته‌ها بهبود بیشتر در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نشان می‌دهد. اما با این حال موقعیت زنان بر حسب شاخص‌های مذکور تغییر چندانی را به دنبال نداشته است.

**کلمات کلیدی:** برابری جنسیتی، سرشماری، جغرافیای جنسیت، مناطق.

## An Analysis of Economic, Social and Cultural Factors Affecting Gender Geography

Masood Safaeipour, Associate Professor, Dept. of Earth Science and GIS, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran

Nadia Daripour, PHd Student, Geography and Urban Planning, Dept. of Earth Science and GIS, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran

**Abstract:** Gender equality is of paramount importance as one of the issues related to socio-economic development. Gender inequalities have a negative impact on human development and human resource quality improvement. The present study aims to analyze the status of women compared to men in different regions of the country based on the comparison of census statistics in 2011 and 1394. This research was carried out using Arc / Gis software and using descriptive-analytical method. Despite having a share of women's economic activities in villages than men, the share of men is still more than women. In the third region (including the provinces of East Azarbaijan, West Azarbaijan, Ardebil, Zanjan, Gilan and Kurdistan), women with a weighted income are not all participants in economic activities, but they tended to move independently. The findings show further improvements in the economic, social and cultural spheres. However, the position of women in terms of these indicators did not change much.

**Keywords:** gender equality, census, geography, regions.

نویسنده مسئول: مسعود صفایی پور، دانشیار دانشگاه شهید چمران، دانشکده علوم زمین و GIS، safae\_85@yahoo.com

## مقدمه و بیان مسئله

وضعیت زنان در هر جامعه‌ای نشانگر میزان پیشرفت آن جامعه است و این واقعیتی است که روز به روز تعداد بیشتری آن را در می‌یابند (محمودیان، ۱۳۸۳: ۲۵). بدین منظور از دهه هفتاد میلادی، مسائل مربوط به شرکت همه جانبه‌ی زنان در فرآیند برنامه‌های توسعه ملی به تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه و عمران ملی و بین‌المللی گردید و تا سال ۱۹۸۰ بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی مسائل مربوط به زنان را به وضوح در برنامه‌های توسعه خود قرار دادند. تمامی این تلاش‌ها سعی در آگاه ساختن مردم از اهمیت پایگاه اقتصادی-اجتماعی زنان جامعه (که پیش از این از نظرها پنهان بود) در توسعه کشور و محل زندگی داشت، زیرا هیچ برنامه‌ای بدون توجه به آنان به اهداف خود نمی‌رسد و هیچ توسعه‌ای پایدار و کامل نخواهد شد (خواجانه‌نوری، ۱۳۷۶: ۱۹). تأثیر عوامل محیطی بر هویت جنسیتی زنان در محیط‌های شهری و روستایی، نشان می‌دهد که محیط جغرافیایی در ترسیم هویت زنان در حوزه‌های شهری و روستایی بسیار تاثیرگذار بوده و عامل محیط در هویت‌سازی زنان روستایی و شهری بسیار پررنگ و کارساز بوده است. متغیرهای محیط جغرافیایی و رسانه در شکل‌دهی متفاوت به هویت جنسیتی زنان در محیط‌های شهری و روستایی بسیار دخیل بوده است. زنان شهری هویت خود را هویتی برتر از زنان روستایی متصور می‌شوند همچنین زنان شهری خود را از منزلت اجتماعی فراتر از زنان روستایی قرار داده‌اند که دسترسی به فرصت‌های شغلی بیشتر و متنوع‌تری دارند و معتقدند زنان روستایی همچنان از هویتی تابع برخوردارند که تحت قیود سنت‌های گذشته و ریش‌سفیدان محلی هستند که حتی در انتخاب همسر هم آزادی عمل ندارند در حالی که هویت زنان شهری فارغ از این قیود بوده از آزادی عمل بیشتری در تمام سطوح زندگی خود برخوردارند. زنان شهری همچنین معتقدند در روابط اجتماعی خود بسیار آزادانه‌تر هستند و فرزند دختر یا پسر برای آن‌ها تفاوتی ندارد در حالی که زنان روستایی روابط اجتماعی محدودی دارند و فرزند پسر را بر دختر ارجح می‌دانند. زنان روستای به دلیل عدم دسترسی

به وسایل ارتباط جمعی چون ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به آگاهی از حقوق خود نرسیده‌اند و سطح توقعات خود از زندگی در حد بسیار پایین بوده است. این در حالی است که زنان شهری بسیار هویتی پر توقع از خود بروز می‌دهند که بخش عمده آن ناشی از قرار گرفتن در معرض رسانه‌های جمعی و جهانی چون اینترنت می‌باشد. (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷). زنان روستایی معتقد بودند که زنانی تولیدگر و فعال بوده‌اند که به امر تولید کمک می‌کنند و برای جامعه مفید می‌باشند. این در حالی است که زنان شهری زنانی سست، کم‌تحرک و مصرف‌گرا هستند که کمک‌چندانی به تولید جامعه نمی‌کنند. هرچند زنان شهری معتقدند اگرچه هویت زن شهری در گذشته زن در خانه بود اما امروزه به این گسترش وسایل تکنولوژیک و شرایط محیا برای اشتغال زنان نه تنها زنانی منفعل نبوده بلکه از خانه خارج شده و فعالانه وارد بازار کار شده‌اند و در حال حاضر وسایل و تکنولوژی‌های مدرن کشاورزی جای زنان روستایی را گرفته‌اند و این زنان در امر تولید به مانند گذشته فعال نیستند (هدایت و همکاران، ۱۳۸۶: ۸۵). شکل‌گیری هویت جنسیتی متفاوت زنان شهری و روستایی در محیط جغرافیایی و رسانه بسیار تاثیرگذار می‌باشد و علاوه بر آن ساختار قدرت، تبعیض‌های جنسیتی، تحصیلات زنان، فرهنگ و ارتباط با توریسم هم اثرات خود را دارد. در فرایند توسعه پایدار، جایگاه اجتماعی-اقتصادی زنان روستایی بیش از دیگر زنان این سرزمین مرهون شرایط محیطی بوده و از عوامل و عناصر جغرافیایی چندی تأثیر پذیرفته است. در مواقعی استیلای شاخص‌های ناپایداری (عقب‌ماندگی)، در فضای روستایی باعث شده است که آن‌ها علی‌رغم گستردگی مشارکت خود در فعالیت‌های روزانه، همواره به عنوان اقشاری آسیب‌پذیر، در تله‌ای از محرومیت شامل بی‌قدرتی، ضعف جسمانی و فقر گرفتار آیند (نوری و همکار، ۱۳۹۰: ۳۸). جهت کاهش فقر، بالا رفتن استانداردهای زندگی، رشد مناسب و ثبات اقتصادی انجام اصلاحات ساختاری جهت افزایش مشارکت زنان در زندگی سیاسی و اجتماعی امری ضروری به نظر می‌رسد. از این رو برنامه‌ریزان یک کشور تا

نهاده شده است، با این فرض که افزایش خودانگیخته مشارکت زنان در سپهر اجتماعی به قصد افزایش کارآیی به طور خودکار منجر به افزایش برابری خواهد شد. تغییر جهت از برابری به کارایی منعکس کننده این نکته اقتصادی است که پنجاه درصد از منابع انسانی موجود برای توسعه یا به طور کلی از دست رفته و یا به اندازه‌ای که باید مورد استفاده قرار نگرفته است. دفتر امور زنان ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶ نظریه‌ی توانمندسازی زنان را مطرح نموده است. این نظریه تأکید کمتری بر ارتقای موقعیت زن نسبت به مرد دارد ولی در پی توانمندسازی زنان، از راه توزیع مجدد قدرت در درون خانواده و جامعه است. در واقع توانمندسازی با قدرت بخشی به زنان فرآیندی است که در آن زنان به منابع قدرت دسترسی و کنترل بیشتری پیدا می‌کنند و می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های مربوط به منابع و پیرامون خود، نقش قدرتمندانه‌تری ایفا کنند. ویر دو مفهوم جایگاه بازار و انسداد اجتماعی را برای توضیح نابرابری جنسیتی<sup>۱</sup>، به کمک می‌گیرد. از جمله مردان با بهره‌گیری از راهبرد انسداد اجتماعی راه زنان را به سوی مشاغلی که بالاترین منزلت و امتیازات را دارند سد می‌کند. اغلب مطالعات صورت گرفته درباره‌ی نقش جنسیت و توسعه، با در نظر گرفتن تأثیر رشد و توسعه بر نابرابری‌های جنسیتی، سه رویکرد را نشان می‌دهد (دورانت، ۲۰۰: ۲۸).

#### الف: رویکرد نوگرایی - نئوکلاسیک

این رویکرد بر این باور است که توسعه، نابرابری‌ها را کاهش می‌دهد. بدین ترتیب که رشد اقتصادی سبب رشد فرصت‌های شغلی و رقابت می‌شود که این امر به تدریج تبعیض در آموزش و دسترسی به منابع مالی و تبعیض در برخورداری از امکانات رفاهی و بالطبع، تبعیض علیه زنان را کاهش می‌دهد. در این شرایط اقتصادی میزان تقاضا برای کارکنان متخصص بالا می‌رود و اعمال تبعیض برای کارفرمایان آنان را متضرر خواهد کرد. از این رو، در شرایطی که دسترسی به آموزش و کسب مهارت (صرف نظر از جنسیت) برای همه میسر باشد، عامل رقابت حداقل در دوره‌ی زمانی متوسط تا طولانی مدت را کم می‌کند (نیل و پولاجر، ۱۹۹۳: ۷۹).

1. Social closure

چه اندازه به این مهم توجه داشته و با تدوین برنامه‌هایی همه جانبه، زنان را در روند توسعه مشارکت دهند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این امر مستلزم برنامه‌ریزی جنسیتی است که بر جنسیت تکیه داشته و به تقویت حساسیت جنسیتی در جامعه و بین برنامه‌ریزان مربوط می‌شود. تساوی فرصت‌ها و ایجاد امکانات مساوی برای کنترل منابع و بهره‌گیری از آن‌ها برای زنان و مردان، ایجاد تدابیری که منجر بهبود زندگی همه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم می‌گردد و مشارکت کامل زنان در برنامه‌هایی مانند ریشه‌کن کردن فقر و یا ایجاد کار تولیدی و تحقق عدالت اجتماعی و رشد پایدار اقتصادی، یکی از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزان و دولت مردان می‌باشد. در این راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح استان‌های کشور به ارزیابی وضعیت زنان و مردان شهری و روستایی می‌پردازد.

#### مبانی نظری

در زمینه برنامه‌ریزی جنسیتی نظریه‌های متعددی ارائه شده که عبارتند از: نظریه رفاه، برابری، فقرزدایی، کارآیی و توانمندسازی. نظریه‌ی رفاه بر محور خانواده متمرکز بوده و نقش زن را به متولد کننده و به عرصه رساننده کودک تبیین کرده و نقش مرد را به عنوان تولید کننده به رسمیت شناخته است. اما از آن‌جا که در عین حال، شرایط نامطلوب زنان را انکار نمی‌کند، راه‌حل بهبود این وضعیت را اختصاص بعضی کمک‌های جبرانی به زنان برشمرده است. از دیدگاه نظریه‌ی برابری علت عقب ماندگی زنان نابرابری است و برابری به توسعه می‌انجامد. زنان شرکت کنندگان فعال در فرآیند توسعه هستند و از طریق ایفای نقش‌های تولیدی، سهم بسیار مهم و اغلب شناخته نشده‌ای در رشد اقتصادی کشورها دارند. در رویکرد فقرزدایی مشکل اصلی زنان عدم خود اتکایی و وابستگی اقتصادی آنان تلقی می‌شود و ریشه فقر را در عدم تحقق نقش تولیدکنندگی زنان در مشاغل کلیشه‌ای می‌بیند که در صورت اشتغال زنان از اتکای آن‌ها به دیگران (دولت و یا مرد سرپرست خانوار) کاسته شده و با فقر زنان نیز مبارزه شده است. در نظریه‌ی کارایی، تأکید از زن برداشته و بر توسعه

## ب: دیدگاه بوزروپ

اکثر مطالعات و تحقیقاتی که درباره‌ی نقش اقتصادی و اجتماعی زنان در سراسر جهان صورت گرفته، در پی انتشار کتاب نقش زنان در توسعه‌ی اقتصادی نوشته‌ی استر بوزروپ (۱۹۷۰)، بوده است. او کوشید که مفهوم زنان در توسعه در بک چهارچوب بین‌المللی قرار گیرد. او معتقد است که در کشورهای فقیر در دوره‌ی پیش از شهرنشینی و رشد اقتصادی بازار، اختلاف بهره‌وری بین زن و مرد ناچیز بود. در فرآیند رشد اقتصادی و با افزایش تبعیض در مورد زنان و محروم کردن آنان از حضور در بخش‌های نوین، اختلاف سطح بهره‌وری بیشتر شد (موریس و دیگران، ۲۰۰۵: ۱۰۶۶). مطالعات در کشور ایران نشان داده است که تجربه‌ی پنجاه سال برنامه و تحول دیدگاه‌ها و راهبردهای توسعه که با تأیید بر رشد اقتصادی صورت گرفته بود و گمان می‌رفت که توسعه‌ی اقتصادی و افزایش درآمدها بتواند به برابری و عدالت و کاهش فقر در جامعه منجر شود، نتوانسته است به تنهایی نابرابری جنسیتی را حذف کند. در دوره‌های دیگر که «دیدگاه توسعه‌ی سیاسی»، بر برنامه‌ریزی کشور غالب شد، باز هم نتوانسته عدالت جنسیتی را تحقق بخشد (مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، ۱۳۸۳: ۲۳).

## نظریه‌های تفاوت جنسیتی

این نظریه‌ها معتقدند جایگاه و تجربه زنان در بیشتر موقعیت‌ها با جایگاه و تجربه مردان در همان موقعیت‌ها تفاوت دارد. مضمون اصلی این نظریه‌ها این است که زنان از ارزشی، انگیزه‌ها، منافع، خلاقیت ادبی، احساس هویت، فراگرد آگاهی و ادراک در ساخت واقعیت اجتماعی، بینش و برداشتی متفاوت از مردان دارند (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۶۹-۴۷۰).

## نظریات نابرابری جنسیتی

تفاوت بین انسان‌ها را نه در آفرینش خداوند بلکه باید در عوامل فرهنگی، اجتماعی جوامع جستجو کرد. تفاوت اعضای جامعه اگر بر مبنای ویژگی‌های طبیعی آغاز و بر پایه ملاک‌های فرهنگی و اجتماعی ارزش‌گذاری شود در این صورت برخی ویژگی‌های طبیعی ارزشمند و برخی دیگر بی‌ارزش محسوب

می‌گردند و در این حالت تفاوت‌های طبیعی به نابرابری اجتماعی تبدیل خواهد شد. از جمله این نابرابری‌ها، نابرابری‌های جنسیتی است. در بیشتر جوامع انسانی جنسیت پدیده‌های فرهنگی، اجتماعی مربوط به جنس محسوب می‌گردد (رابرتسون، ۱۳۸۵: ۲۷۸).

## نظریه ستم‌گری جنسی

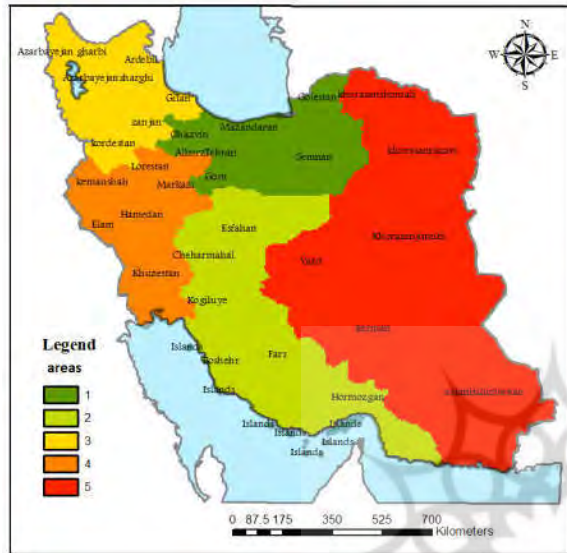
در این دیدگاه، زنان علاوه بر تفاوت و نابرابری جنسی، تحت ستم نیز قرار دارند، یعنی تحت انقیاد و تبعیت و بدرفتاری مردان به سر می‌برند. دیدگاه اول متکی بر تفاوت‌های جنسی در جنس زن و مرد در بدو تولد است و بر این اساس، زنان از کودکی تا پیری تفاوت‌های بنیادی را که پایه زیست‌شناختی دارد را طی می‌کنند. بنابراین، مسئولیت‌های مادری و نقش‌های همسری و توجه به حریم خصوصی خانه و خانواده را ناشی از تفاوت‌های بنیادی زیست‌شناختی مردان و زنان می‌دانند.

در دیدگاه دوم (نابرابری جنسی)، با دو رهیافت فمینیستی لیبرال و فمینیستی مارکسیستی به تبیین نابرابری می‌پردازند. محور رهیافت لیبرالی در درجه اول تبعیض جنسی است. آن‌ها معتقدند که تبعیض جنسی، سرشار از پیش‌داوری عادت‌ها و باورهای تبعیض‌آمیز علیه زنان است و تبعیض جنسی باعث می‌شود که زن‌ها از کودکی برای نقش‌های پست‌تر به عنوان نمادهای اخلاق زنانه آماده شوند (اسحاقی، ۱۳۸۷: ۲۹).

## برنامه‌ریزی جنسیتی

تحول یک‌صد سال اخیر ایران، که عمدتاً ناشی از اجرای سیاست‌های نوسازی دولت‌ها و پیگیری مطالبات چهار جنبش اجتماعی بوده است، زندگی مردم خاصه زنان را به طور اساسی دستخوش تغییر کرده است. البته در حال حاضر هیچ صاحب‌نظری مدعی نیست که نابرابری‌های حقوقی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که زنان نسبت به مردان با آن روبه‌رو هستند چنان بهبود یافته است که فی‌المثل بتوان وضع آنان را با وضع زنان در جوامع مدرن دیگر که در رفع نابرابری‌های جنسیتی کارنامه‌ی درخشان‌تری دارند (مانند کشور سوئیس) مقایسه کرد. در حال حاضر، در عرضه عمومی ایران، نابرابری‌هایی که زنان از آن رنج می‌برند و در عین حال

منطقه دو (اصفهان، فارس، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، هرمزگان و کهگیلویه و بویراحمد)، منطقه سه، (آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، گیلان و کردستان)، منطقه چهار (کرمانشاه، ایلام، لرستان، همدان، مرکزی و خوزستان) و منطقه پنج (خراسان رضوی، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، کرمان، یزد و سیستان و بلوچستان) تقسیم شده است.



شکل (۱): محدوده مناطق پنج گانه کشور  
ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۶

جدول (۱): برآورد جمعیت و مساحت مناطق کشور در سال ۱۳۹۴

منطقه	جمعیت (هزار نفر)	سهم از جمعیت کشور	مساحت (میلیون متر مربع)	سهم از مساحت کشور
منطقه یک	۲۳۵۲۱	۲۹/۹	۱۸۷۶۰۴	۱۱/۵
منطقه دو	۱۴۳۰۱	۱۸/۲	۳۵۴۹۵۲	۲۱/۸
منطقه سه	۱۳۴۹۷	۱۷/۱	۱۶۵۸۱۱	۱۰/۲
منطقه چهار	۱۲۴۲۸	۱۵/۸	۱۸۵۹۴۶	۱۱/۴
منطقه پنج	۱۵۰۲۸	۱۹/۱	۷۳۴۴۶۴	۴۵/۱
کشور	۷۸۷۷۵	۱۰۰	۱۶۲۸۷۹۲	۱۰۰

منبع: سالنامه آماری ۱۳۹۴ و محاسبات پژوهش، ۱۳۹۶

توانایی‌هایی که زنان به دست آورده‌اند، تبدیل به موضوعی گردیده که صاحب‌نظران را به بررسی و تئوریزه کردن موقعیت و پویای جمع‌های زنان از منظرهای مختلف، از جمله از منظر جامعه‌شناختی، وا داشته است (جلالی‌پور، ۱۳۹۰: ۲۱).

## روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع کاربردی و روش پژوهش آن توصیفی-تحلیلی است. با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای (اسنادی) و داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰ و آمار برآوردی ۱۳۹۴ اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری شده است و به بررسی وضعیت زنان و مردان در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته است. در این پژوهش استان‌های مختلف کشور بر اساس همجواری و اشتراکات جغرافیایی (طبیعی، اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی) به پنج منطقه برنامه‌ریزی تقسیم شده است. لذا هر یک از شاخص‌ها همچون مشارکت اقتصادی، نرخ بیکاری، نرخ باسوادی، تحصیلات دانشگاهی در میان زنان و مردان شهری و روستایی مناطق مورد بررسی و مقایسه قرار گرفته است. جهت تهیه و ترسیم نقشه‌ها از نرم افزار Arc/Gis استفاده شده است. در نهایت تمام شاخص‌ها در قالب نمودارهای ایکسلی مورد مقایسه و جمع‌بندی قرار گرفته‌اند.

## محدوده مورد مطالعه

استان‌های کشور ایران در سال ۱۳۹۳ در طبقه‌بندی جدید توسط وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران در قالب ۵ منطقه بر حسب عوامل همجواری، محل جغرافیایی و اشتراکات قرار گرفتند. این طبقه‌بندی، یک طبقه‌بندی داخلی مربوط به وزارت کشور است و نباید با تقسیمات کشوری ایران که مصوب مجلس شورای اسلامی هستند، اشتباه گرفته شود. یکی از اهداف اصلی این تقسیم‌بندی این است که دولت به جای توسعه استان‌ها، منطقه‌ها را توسعه دهد. در این مطالعه مناطق مذکور بر اساس شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دو محیط جداگانه‌ی شهری و روستایی میان زنان و مردان در سال ۱۳۹۴ مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند. محدوده‌ی مورد مطالعه به پنج منطقه‌ی برنامه‌ریزی شامل منطقه یک (البرز، تهران، قزوین، مازندران، سمنان، گلستان و قم)،

## پیشینه پژوهش

تم بان<sup>۱</sup> (۱۹۹۹)، اعتقاد دارد حتی گاهی تبعیض جنسی به نقش‌های جنسی اجتماعی ارتباط پیدا می‌کند به طوری که در بسیاری از فرهنگ‌ها هنوز این اعتقاد وجود دارد که جای زنان در خانه است و زنان فقط در نقش مادران و خانه‌داران باید ظاهر شوند. در نظریه‌های نئومارکسیستی بر توزیع نابرابر زنان و مردان در هر طبقه تاکید و از نابرابری‌های جنسیتی انتقاد می‌شود. علاوه بر این آن‌ها به جلوه دیگری از نابرابری‌های جنسیتی توجه می‌کنند که در میان دو طبقه صاحبان کار و صاحبان ابزار، جریان دارد. در حالی که اکثر شاغلین زن در طبقه فروشندگان کار قرار دارند، بیشتر جمعیت صاحبان ابزار را مردان تشکیل می‌دهند. بکستر<sup>۲</sup> و مان<sup>۳</sup>، با طرح بحث نادیده انگاشتن زنان در فرآیند جهانی شدن، معتقدند که بخش بزرگی از نیروی کار زنان به عنوان نیروی غیر رسمی در فرآیند تولید به فراموشی سپرده می‌شود. باندز<sup>۴</sup> (۲۰۰۴)، نظم پدرسالارانه‌ی جوامع غربی به وسیله‌ی شکل شهر تقویت شده است، زیرا فضا جنسیت زده است و ناهمسانی قدرت مردان و زنان در جامعه را تشدید می‌کند. ترس از خشونت و تعدی اعتماد به فس زنان را تحلیل برده و دسترسی به فضای عمومی را برای آن‌ها محدود کرده است. اسپین<sup>۵</sup> (۲۰۰۵)، در اثرش نشان داد که فضاهای جنسیتی شهری برای قلمرو عمومی بسیار مهم‌اند، زیرا آن‌ها به زنان هویتی خارج از خانه و خانواده می‌بخشند و برایشان فضایی امن را فراهم می‌کنند. در نظر برخی صاحب نظران (۲۰۱۱)، در فضاهای عمومی، زنان باید هوشیار باشند. آن‌ها در معرض تعرض یا حتی خطر قرار دارند. زنانی که در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند، اگر می‌خواهند که با فضای عمومی گفت و گوی موقفی داشته باشند، باید باهوش خیابانی باشند. این حوزه مردان و زنان در یک مکان محدود قرار داده می‌شوند و آزادی حرکت ندارند. جاراللهی (۱۳۷۶)، در ایران نیز در دوره‌های قبل و بعد از اسلام تا نیمه قرن دوازدهم در کل جامعه (شهری، روستایی و ایلی)، زنان صرفاً در زمینه خانواده نقش اول را داشت و فعالیت‌های آنان عمدتاً محدود به کارهای خانه می‌شد و حتی نقش آنان در

خارج از خانه در واقع ادامه نقش وی در داخل خانه بود. از نیمه قرن دوازدهم تا قرن چهاردهم به دلیل ارتباط وسیع‌تر ایران با تمدن صنعتی غرب، به تدریج تغییراتی در ساختار اجتماعی-اقتصادی جامعه و در نتیجه دگرگونی در زندگی و موقعیت زنان پایتخت و شهرهای بزرگ گردید. ولی در موقعیت اجتماعی زنان روستایی و زنان ایل نشین به دلیل دور ماندن از ارزش‌های غربی تغییرات عمده‌ای به وجود نیامد. از جمله فعالیت‌هایی که زنان به آن اشتغال داشتند، کارگری در کارخانه‌های نساجی، قالی‌بافی و شیلات بود. مشاغل سیاسی بسیار محدود و منحصر به زنان وابسته به طبقه حاکم بود.

## بحث پژوهش

### بررسی وضعیت شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و

### فرهنگی در کشور

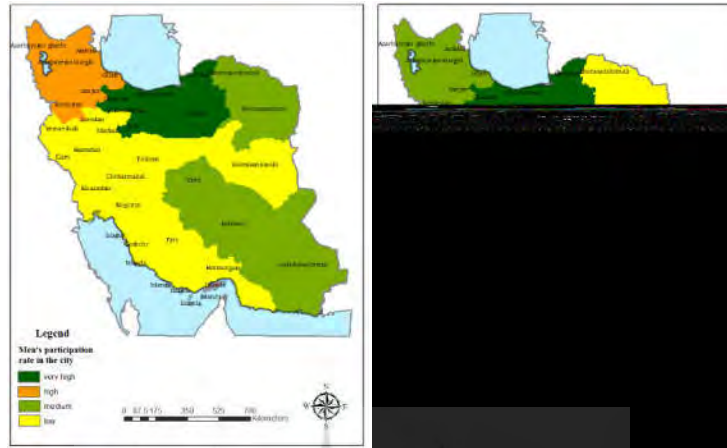
بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ایران در سال ۱۳۹۰، نرخ مشارکت اقتصادی در کشور ۳۶/۹ درصد بوده است که این مقدار در سال ۱۳۹۴ به ۳۸/۱ درصد افزایش یافته است. همچنین این شاخص در سال ۱۳۹۰ برای زنان ۱۲/۸۲ و برای مردان ۶۰/۵ درصد بوده است. نرخ مشارکت اقتصادی در سال ۱۳۹۴ برای زنان ۱۳/۵ و برای مردان ۶۲/۹ درصد بهبود یافته است.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ در کشور نرخ مشارکت اقتصادی برای مردان ۵۸/۸ و برای زنان ۱۱/۸ درصد می‌باشد. در سال ۱۳۹۴ میزان نرخ مشارکت اقتصادی در شهرهای کشور برای مردان ۶۱/۶ و برای زنان ۳۷/۴ درصد است افزایش داشته است. همان‌طور که آمار نشان می‌دهد مشارکت زنان شهری در نیروی کار بهبود خوبی را نشان می‌دهد. با توجه به شکل‌های زیر میزان مشارکت در سال ۱۳۹۴ میان مناطق شهری و روستایی برای مردان و زنان کشور متفاوت بوده است.

1. Tembon
2. Baxter
3. Mann
4. Bounds
5. Espin

اصفهان، فارس، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، هرمزگان و کهگیلویه و بویراحمد) و پنج (شامل استان‌های: خراسان رضوی، خراسان جنوبی، کرمان، یزد و سیستان و بلوچستان) متمرکز شده است. بدین ترتیب نرخ مشارکت اقتصادی سال ۱۳۹۴ برای زنان در نیمه‌ی شرقی، جنوب شرقی بیشتر بوده است.

میزان مشارکت اقتصادی در سال ۱۳۹۴ برای مردان در شهرهای استان، بیشتر در منطقه سه شامل استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، گیلان و کردستان بوده است. به عبارتی بخش‌های شرقی، جنوب شرقی و شمال غرب کشور دارای مشارکت اقتصادی بیشتری است. این نرخ برای زنان در همان سال، در منطقه دو (شامل استان‌های:

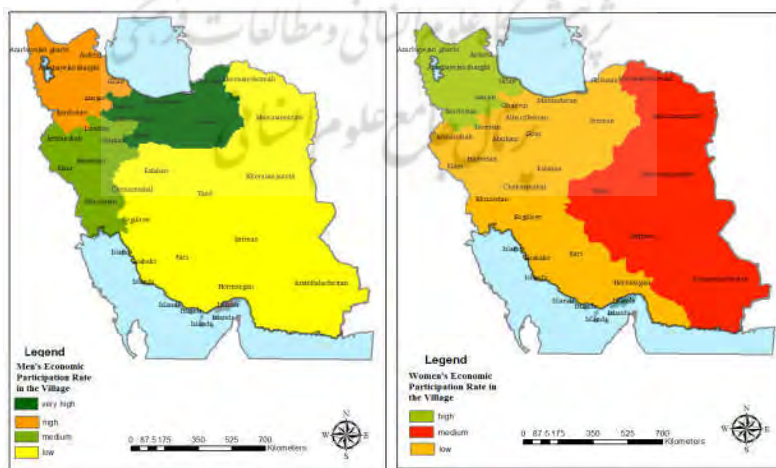


شکل (۲): نرخ مشارکت اقتصادی مردان و زنان در شهرها در سال ۱۳۹۴

ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۶

منطقه یک با ۶۷/۳۴ درصد و بعد از آن منطقه سه با ۷۱/۲۳ درصد بیشترین سطح از مشارکت‌های روستایی را دارا می‌باشد. اما این شاخص در میان زنان بیشتر در منطقه سه با ۲۲/۰۵ درصد دیده شده است و مناطق چهار با ۱۸/۶، دو با ۱۰/۲۳ و منطقه یک با ۱۰/۱۴ درصد کمترین سطح مشارکت را در میان زنان روستایی داشته است.

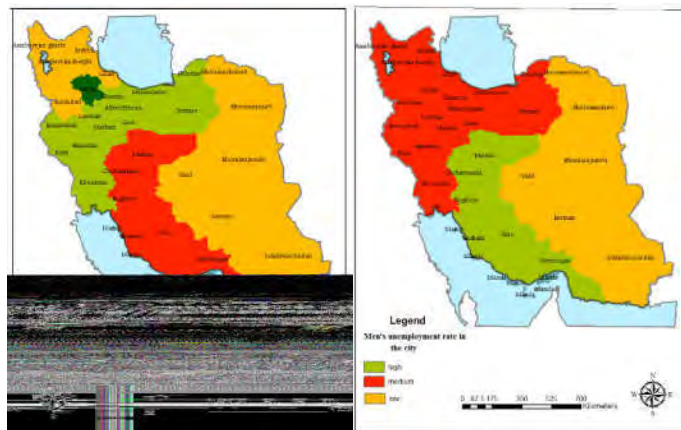
بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ میزان مشارکت اقتصادی میان مردان در روستاها ۶۴/۷۰ و برای زنان روستایی برابر با ۱۴/۶ درصد می‌باشد. در صورتی که در سال ۱۳۹۴ این شاخص میان مردان روستایی ۶۶/۳ و زنان روستایی ۱۴/۳ درصد بوده است. با توجه به شکل شماره (۳)، در سال ۱۳۹۴ شاخص نرخ مشارکت اقتصادی در میان روستایان مناطق مختلف متفاوت می‌باشد. نرخ مشارکت اقتصادی در میان مردان روستایی در



شکل (۳): نرخ مشارکت اقتصادی مردان و زنان در روستاها در سال ۱۳۹۴

ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۶

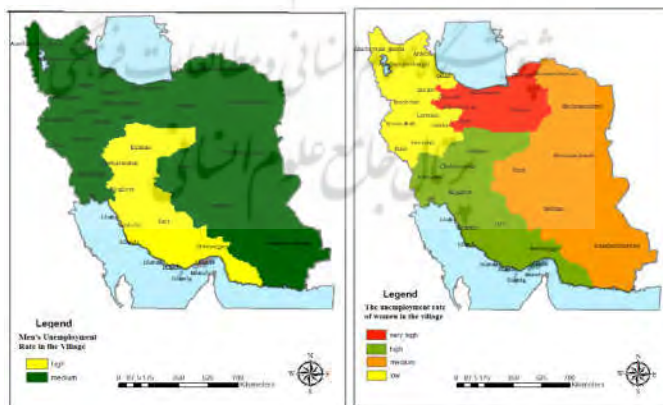
طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، نرخ بیکاری در میان مردان شهری ۱۱/۶۵ درصد و برای زنان شهری ۲۷/۱۵ درصد بوده است. برای سال ۱۳۹۴ نرخ بیکاری برای مردان شهری ۱۰/۵۸ درصد و برای زنان شهری ۲۴/۴۴ درصد برآورد شده است. طبق تقسیم‌بندی استان‌های کشور به مناطق مختلف می‌توان نشان داد که نرخ بیکاری شهرها برای مردان در منطقه دو با ۱۲/۱۳ درصد بیشترین و برای منطقه پنج برنامه‌ریزی با ۹/۷۱ درصد بیشترین مقدار را دارا می‌باشد. این شاخص برای زنان شهری میان منطقه یک با ۲۳/۷۵ درصد بیشترین و برای منطقه دو با ۲۵/۸۱ درصد به طور متوسط اختصاص یافته است.



شکل (۴): نرخ بیکاری مردان و زنان در شهرها در سال ۱۳۹۴

ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۶

بر اساس سرشماری ۱۳۹۰، نرخ بیکاری در میان مردان روستایی ۸/۵۳ درصد و در میان زنان روستایی ۱۰/۹۲ درصد بالاتر بوده است. این شاخص به عنوان یک شاخص منفی در سنجش مناطق مختلف در میان مردان روستایی منطقه دو ۱۰/۲۸ درصد بدترین وضعیت را نشان می‌دهد. همان‌گونه که نقشه نشان می‌دهد دیگر مناطق نیز با قرارگیری در سطح متوسط وضعیت مطلوبی از نظر این شاخص ندارند. بیکاری در میان زنان روستایی دارای درجات مختلف با پراکنندگی بیشتری نسبت به نرخ بیکاری مردان دارد به طوری که این شاخص در منطقه یک بالاترین (۱۵/۵۷) درصد و در منطقه سه (۵/۱۶) درصد کمترین مقدار را دارا می‌باشد.



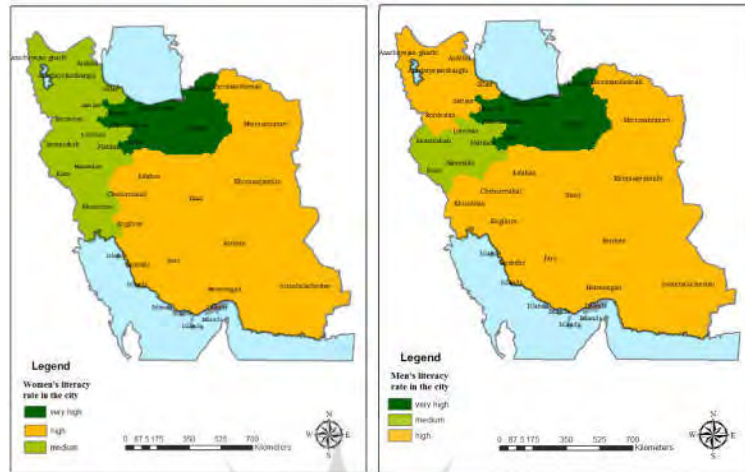
شکل (۵): نرخ بیکاری مردان و زنان در روستاها در سال ۱۳۹۴

ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۶



میان مناطق مختلف شهری میان جنسیت‌های متفاوت در سال ۱۳۹۴ اختلاف چندانی را نشان نمی‌دهد. به گونه‌ای که منطقه یک برای مردان با ۸۶/۷۲ و زنان با ۹۲/۱۵ درصد بالاترین سطح را به خود اختصاص داده است.

در سرشماری سال ۱۳۹۰ کشور نرخ باسوادی در شهرها در میان مردان ۹۰/۸۴ درصد و در میان زنان ۹۰/۸ درصد بوده است. در حالی که این شاخص در سرشماری سال ۱۳۹۴ در سطح شهرها در میان مردان ۹۰/۸۴ و زنان ۸۴/۳۳ درصد برآورد شده است. در اساس نقشه ذیل سطح نرخ باسوادی در

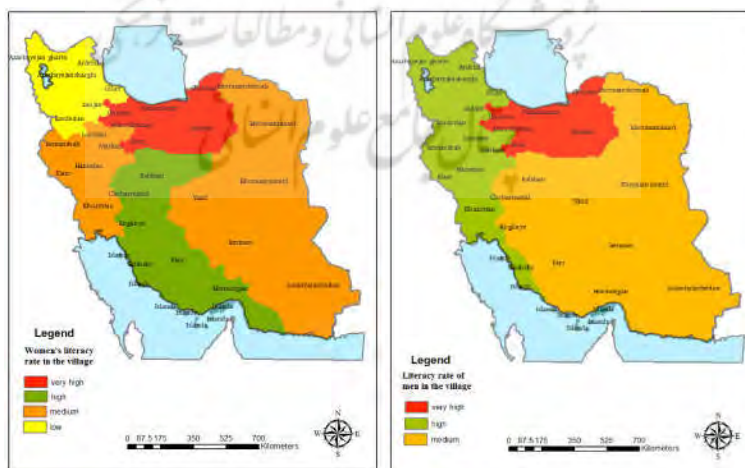


شکل (۶): نرخ باسوادی مردان و زنان در شهرها در سال ۱۳۹۴

ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۶

در میان مناطق در سال ۱۳۹۴، نرخ باسوادی برای مردان در مناطق یک با ۶۹/۸۵ درصد و چهار با ۷۹/۸۶ درصد به ترتیب بالاترین نرخ را داشته‌اند. این شاخص برای زنان روستایی در مناطق یک ۷۴/۰۸ و دو با ۷۳/۰۵ درصد و برای منطقه سه با ۶۴/۹۳ درصد به ترتیب بالاترین و کم‌ترین نرخ را به خود اختصاص داده‌اند.

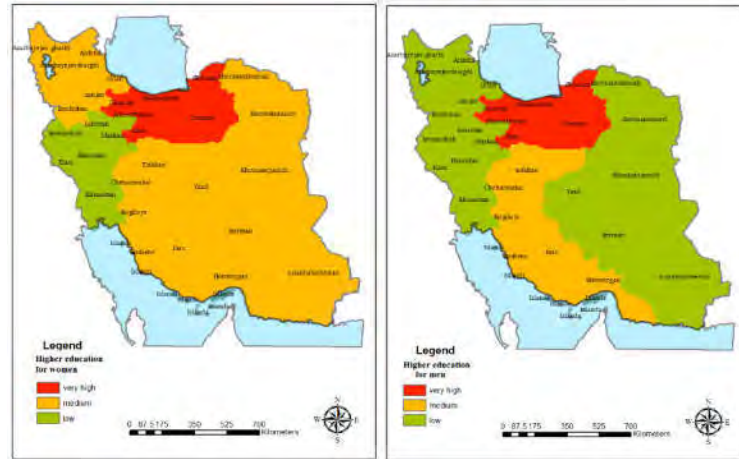
بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ نرخ باسوادی روستاها در میان مردان ۸۳/۲ درصد و در میان زنان ۷۱/۸۷ درصد بوده است که این شاخص برای سال ۱۳۹۴ به ۸۰/۶ برای مردان و ۶۹/۶۴ درصد برای زنان برآورد شده است. میزان باسوادی زنان روستایی با افزایش خود سطح نسبتاً بالایی از عدالت جنسیتی در حوزه‌ی آموزش در دوره‌ی مورد نظر حاصل شده است.



شکل (۷): نرخ باسوادی مردان و زنان در روستاها در سال ۱۳۹۴

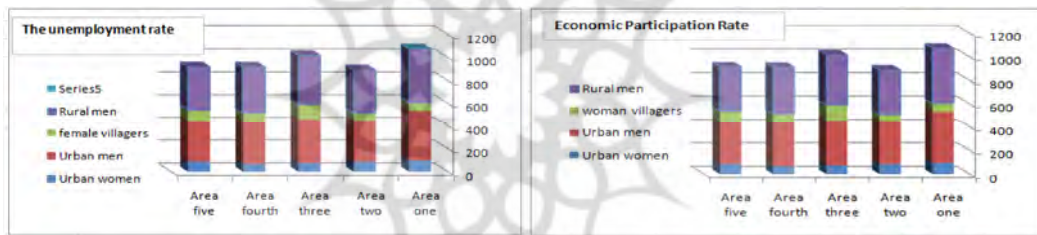
ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۶

در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ دانش آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ۵۷۰۷۳۰ نفر بوده است که این تعداد در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ به ۸۵۹۶۹۷ نفر افزایش یافته است. در مناطق مختلف کشور در میان زنان و مردان منطقه یک به ترتیب با ۲۱/۸۴ و ۱۶/۶۸ درصد برآورد شده است. به نظر می‌رسد این شاخص در میان زنان وضعیت نسبتاً خوبی را نشان می‌دهد که تنها منطقه چهار با ۵/۵۷ درصد کم‌ترین سطح را دارا می‌باشد در صورتی که برای مردان مناطق پنج (۸/۲۶) و دو (۱۰/۱۹) وضعیت خوبی را نشان نمی‌دهد.



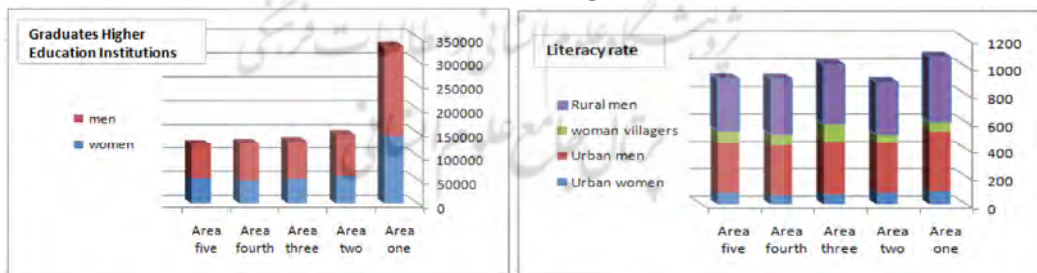
شکل (۸): دانش آموختگان موسسات آموزش عالی در سال ۱۳۹۴

ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۶



شکل (۹): مقایسه نرخ مشارکت اقتصادی و نرخ بیکاری میان زنان و مردان شهری و روستایی-۱۳۹۴

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶



شکل (۱۰): مقایسه نرخ باسوادی و دانش آموختگان موسسات آموزش عالی میان زنان و مردان-۱۳۹۴

منبع: نگارندگان، ۱۳۹۶

در امر آموزش زنان و برابری جنسیتی به عنوان مقوله‌ای مهم مد نظر اقتصاد دانان و سیاست گذاران قرار گرفته است. این نابرابری اثر منفی بر سرمایه انسانی و در نتیجه رشد اقتصادی دارد. منطقه یک با دارا بودن سهم بیشتری از جمعیت کشور (۲۹ درصد) بیشترین میزان زنان باسواد کشور را در خود جای داده است. همان‌طور که نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد، افزایش میزان مشارکت اقتصادی، نرخ باسوادی و تحصیلات موجبات توانمندی زنان را فراهم کرده است و سهم بالاتری از برابری جنسیتی را فراهم آورده است. جهت بهبود وضعیت و حرکت به سوی توسعه در کشور، می‌توان از منابع ارزشمندی چون زنان باسواد در مناطق مختلف کشور بهره گرفت و با ایجاد اشتغال برای این گروه، جهت آموزش دیگر زنان بی‌سواد استفاده نمود.

در زمینه مشارکت اقتصادی، همان‌گونه که شکل نشان می‌دهد با وجود برخورداری سهمی از فعالیت‌های اقتصادی زنان در روستاها نسبت به مردان اما همچنان سهم مردان بیش از زنان برآورد شده است. به گونه‌ای که در منطقه سه (شامل: استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان، گیلان و کردستان) زنان دارای درآمد هم وزن با کل مشارکت کنندگان در فعالیت‌های اقتصادی نیستند. اما تمایل به استقلال آنان را به این سو حرکت داده است. در شاخص نرخ بیکاری، مناطق یک و پنج در میان زنان شهری و منطقه دو در میان مردان شهری بیشترین درصد را دارا می‌باشند. مناطق یک و دو در میان زنان شهری و منطقه دو در میان مردان شهری بیشترین نرخ بیکاری را در سال ۱۳۹۴ به خود اختصاص داده است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت بهبود شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در روند توسعه پایدار، پژوهش حاضر به بررسی این شاخص‌ها در بین زنان و مردان شهری و روستایی در سطح کشور پرداخته است. بر اساس نتایج پژوهش، بهبود وضعیت زنان روستایی نقش مؤثری در ارتقای وضعیت موجود خواهد داشت. با نگاهی به وضعیت شاخص نرخ باسوادی می‌توان به اختلاف فاحش آن میان زنان و مردان شهری و روستایی پی برد. زنان شهری در منطقه یک نسبت به دیگر مناطق با ۸۶/۷۱ درصد وضعیت مطلوبی را دارا است. از نظر شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله مسئله‌ی تحصیلات زنان که حضور گسترده‌ی آن را در بخش دانش‌آموختگان موسسات آموزش عالی را در سراسر کشور مشاهده می‌کنیم. با توجه به این که در سال‌های اخیر بهره‌مند شدن بیشتر زنان از تحصیلات دانشگاهی و روی آوردن به فعالیت‌های اقتصادی به ویژه در شهرهای بزرگ ارزش‌های جدیدی را در حوزه اجتماع و خانواده ایجاد کرده‌اند و باعث دگرگونی جایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان شده است. بدین ترتیب که با افزایش سطح تحصیلات زنان به سوی آموزش عالی، احتمال مشارکت اقتصادی آنان در بازار کار نیز افزایش می‌یابد. سرمایه‌گذاری

### منابع

- اسحاقی، حسین، (۱۳۸۷)، «تأملی بر پیکره پیامدهای فمینیسم اسلامی»، رواق اندیشه، شماره ۴۴.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران، ۱۳۹۰.
- سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران، ۱۳۹۴.
- جاراللهی، عذرا، (۱۳۷۲)، «تاریخچه اشتغال زن در ایران»، فصلنامه علوم اجتماعی.
- جلالی پور، حمید رضا، (۱۳۸۲)، «حاملان بی‌نشان، چرا مدافعان زنان از فمینیست نامیدن خود بیم دارند؟»، زنان، شماره ۱۰۵.
- چمبرز، رابرت، (۱۳۷۶)، «توسعه روستایی: الویت بخشی به فقرا»، از کیا، مصطفی، انتشارات دانشگاه تهران.
- خواجه نوری، بیژن، حاتمی، علی، (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل مؤثر بر میزان اشتغال زنان جوان استان‌های غربی کشور»، مجله اینترنتی جامعه‌شناسی ایران.
- ریتز، جورج، (۱۳۷۷)، «نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر»، ثلاثی، محسن، تهران، انتشارات علمی.
- رابرتسون، رونالد، (۱۳۸۲)، «جهانی شدن»، پولادی، کمال، تهران، نشر ثالث.

۱۰. محمودیان، حسین، (۱۳۸۲)، «بررسی مشارکت زنان در نیروی کار در استان‌ها در سال‌های ۵۵ الی ۷۵»، نامه علوم اجتماعی شماره ۲۱۱، صص: ۱۸۹-۲۱۸.
۱۱. قره‌ریاضی، هایده، (۱۳۸۲)، «لزوم نگرش جنسیتی در تدوین برنامه‌ی چهارم توسعه»، فصل‌نامه‌ی ریحانه، شماره ۴.
۱۲. نعمتی، مرتضی، فرجی سیکبار، حسنعلی، خاکی، افشین، (۱۳۹۴)، «بررسی سازوکار تأثیر فناوری اطلاعات بر توانمندسازی زنان روستایی بر مبنای مدل DEA، (مطالعه موردی: روستای قرن آباد)»، زن در توسعه و سیاست، دوره‌ی ۱۰، شماره ۱، صص: ۱۳۸-۱۲۵.
۱۳. نوری، هدایت ا...، غفاری، رامین، (۱۳۸۶)، «جایگاه زنان روستایی در فرایند توسعه پایدار: مطالعه موردی استان چهارمحل و بختیاری»، فصلنامه روستا و توسعه، ۷۳-۱۰۳.
14. Bounds, Michael, (2004) Urban Social Theory(City, Self and Society), New.
15. Gottdiener, Mark and Hutchison, Ray (2011), "The new urban sociology", westview press.
16. York: Oxford University Press Morrison, (2005), The impact of social institutions on Center Working Paper No. 213. Paris.

